

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار نخست‌وزیر پاکستان تبیین کردند

تأمین امنیت امت اسلامی با اتحاد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر روز گذشته در دیدار شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان و هیئت همراه، با اشاره به جایگاه و یژه پاکستان در مجموعه دنیای اسلام بر لزوم فعالیت‌های مشترک و تأثیرگذار ایران و پاکستان برای متوقف کردن جنایات رژیم صهیونیستی در غزه تأکید کردند.

رهبر انقلاب در ابتدای این دیدار با ابراز خرسندی از پایان جنگ میان پاکستان و هند و ابراز امیدواری برای حل وفصل اختلافات دو کشور، به موضع بسیار خوب و قوی پاکستان در قضیه فلسطین درطول سال‌های گذشته اشاره کردند و گفتند: «در حالی که در سال‌های اخیر همواره وسوسه‌هایی برای ارتباط کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی وجود داشته، اما پاکستان هیچ‌گاه تحت تأثیر این وسوسه‌ها قرار نگرفته است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ظرفیت‌های فراوان امت اسلامی برای اقتدار بیشتر در دنیای امروز، افزودند: «در شرایطی که جنگ‌طلبان در دنیا انگیزه‌های زیادی برای ایجاد اختلاف و جنگ دارند، تنها چیزی

که می‌تواند امنیت امت اسلامی را تأمین کند، اتحاد میان کشورهای اسلامی و ارتقای ارتباط میان این کشورهاست.»

ایشان مسئله فلسطین را مسئله اول دنیای اسلام خواندند و با اشاره به شرایط اسفبار غزه خاطر نشان کردند: «وضعیت غزه به جایی رسیده که مردم عادی در اروپا و آمریکا با برپایی تظاهرات به دولت‌های خود اعتراض می‌کنند، اما در همین شرایط متأسفانه برخی دولت‌های اسلامی در کنار رژیم صهیونیستی می‌ایستند.»

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران و پاکستان با همکاری یکدیگر می‌توانند در دنیای اسلام تأثیرگذار باشند و موضوع فلسطین را از این مسیر غلط خارج کنند، گفتند: «ما به آینده دنیای اسلام خوش‌بین هستیم و بسیاری از حوادث، خوش‌بینی ما را تأیید می‌کند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین روابط دو کشور ایران و پاکستان را همواره گرم و برادرانه دانستند و با اشاره به مواضع خوب پاکستان در طول جنگ تحمیلی به‌عنوان یک نمونه از این روابط برادرانه، همکاری‌های

گزارش «فرهیختگان» از وعده‌های پوچی که تحت‌عنوان «پالس مثبت» در رسانه‌ها طرح می‌شود

آبنات چوبی روی میز است، مروارید غلتان را ندهید



هم‌زمان با اینکه برخی در داخل ایران به دنبال این هستند که در مورد نتایج مذاکرات رؤیا فروشی کرده و در این راستا حتی پرداخت حق عضویت ۵ میلیون یورویی و بازگشت ایران به فائو را نیز پالس مثبت نام‌گذاری می‌کنند. روزیکشنبه، چهارم خرداد ۱۴۰۴، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده گفت: «بسیار مهم است که گفت‌وگوهای بسیار خوبی با ایران داشتیم. باید ببینیم چه پیش می‌آید، اما فکر می‌کنم ممکن است خبرهای خوبی در زمینه ایران داشته باشیم؛ درست مانند آنچه با حماس در باره غزه رخ داده است.» او در توییتی به خبرنگاران گفت: «ما می‌خواهیم ببینیم آیا می‌توانیم آن وضعیت را و همچنین مسئله اسرائیل را متوقف کنیم. با آن‌ها در حال گفت‌وگو بوده‌ایم و تلاش داریم هرچه سریع‌تر کل این وضعیت را متوقف کنیم.» ترامپ مدعی شد: «در ارتباط با موضوع هسته‌ای، گفت‌وگوهای بسیار بسیار خوبی با ایران داشته‌ایم. نمی‌دانم در روزهای آینده باید خبر خوبی بدهم یا بد، اما احساس می‌کنم ممکن است خبر خوبی برایتان داشته باشم.» او ادامه داد: «نمی‌توانم بگویم فردا چه اتفاقی خواهد افتاد، اما می‌توانم بگویم گفت‌وگو‌ها با ایران بسیار خوب پیش رفته‌اند.»

ترامپ در ادامه تهدیدات نظامی خود علیه ایران را تکرار کرد و گفت ترجیح می‌دهد گفت‌وگو‌ها به نتیجه برسد؛ چرا که دوست ندارد انسان‌ها کشته شوند.

ترامپ ادعا کرد: «واقعاً دلم می‌خورد چنین اتفاقی رخ دهد، چون دوست ندارم بمبی بیفتد و انسان‌های زیادی کشته شوند. واقعاً دلم نمی‌خواهد چنین

آمریکا به دنبال بازنمایی برجام منطقه‌ای

مواضع مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی و تحریف سخنان او توسط وزیر امور خارجه نشان‌دهنده فقدان هماهنگی در تیم مذاکره‌کننده است. زمانی که مذاکره‌کنندگان مواضع متناقضی اتخاذ می‌کنند، امکان دستیابی به یک توافق پایدار کاهش می‌یابد. اظهارات ترامپ و اقدامات تیم او نشان‌دهنده اهداف

تناقض در مواضع طرف آمریکایی نشان‌دهنده یک استراتژی دوگانه است. از یک سو، آمریکا با ارائه پیشنهادهایی برای مذاکره‌سعی در جلب توجه ایران و افکار عمومی بین‌المللی دارد، و از سوی دیگر با اعمال فشارهای اقتصادی و نظامی، سعی در تضعیف موقعیت ایران در مذاکرات دارد. تغییر

باز هم ولع آبنات چوبی

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور در فرایند مذاکرات با آن مواجه است، نوع مواجهه خوش‌بینانه و گاه غیر مستند برخی از جریان‌های داخلی با اظهارات طرف آمریکایی است. در شرایطی که مقامات ایالات متحده، از جمله شخص رئیس‌جمهور آمریکا، مواضعی متناقض و گاه خصمانه اتخاذ می‌کنند، برخی در داخل با استناد به بخشی از جملات کلی و غیر الزام‌آور آن‌ها، سعی در تفسیر آن به عنوان «پالس مثبت» دارند. این نوع روایت‌سازی خوش‌بینانه، بدون در نظر گرفتن مجموعه واقعیات میدانی و مسایقه بدعهدی‌های مکرر طرف مقابل، باعث می‌شود تحلیل و ارزیابی دقیق و واقع‌گرایانه از فضای مذاکرات به حاشیه رانده شود. این مسئله نه تنها در حوزه

سیاسی، بلکه در سطح اقتصاد ملی نیز تبعات سنگینی دارد. وقتی اظهارات نامتوازن و بعضاً مبهم از سوی مقامات آمریکایی در داخل به عنوان گشایش قریب‌الوقوع یا «نشانه‌ای از توافق» تفسیر می‌شود، فضای افکار عمومی دچار نوعی انتظار خوش‌بینانه اما غیر واقعی می‌شود. این وضعیت، به‌ویژه در بازارهای اقتصادی، با شکل‌گیری نوسانات شدید و مخرب همراه است. بسیاری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی، با تصور نزدیکی توافق، از تصمیم‌گیری‌های بلندمدت و پایدار خودداری کرده و در فضای بلا تکلیف، ترجیح می‌دهند سپر بکشند. این تعلیق در تصمیم‌گیری‌ها، آسیب مستقیم به تولید، اشتغال و رشد اقتصادی وارد می‌کند. تازه‌ترین نمونه از این خوش‌بینی‌های بدون پشتوانه، بازگشت

پنهانی در مذاکرات است. به نظر می‌رسد آمریکا به دنبال توافقی است که نه تنها برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند، بلکه نفوذ منطقه‌ای ایران را نیز کاهش دهد. حتی اگر در میز مذاکره چنین موضوعی طرح نشود در فضای رسانه‌ای این موضوع کاملاً مشهود است. طرح موضوع اخبار مثبت در مورد پرونده

ایران و غزه به طور هم‌زمان از زبان ترامپ در یکشنبه شب گذشته نشان‌دهنده این است که طرف آمریکایی به دنبال القای این فهم به افکار عمومی است که رئیس‌جمهور آمریکا توانسته توافقی جامع‌تر از برجام با ایران امضا کند تا به این ترتیب خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق برجام ناموجه جلوه نکند.

ایران به شورای مرکزی سازمان فائو پس از ۱۵ سال تعلیق است. پرداخت بدهی ۵/۵ میلیون یورویی ایران به این سازمان بین‌المللی، به شکلی نادرست از سوی برخی افراد و رسانه‌ها به عنوان نشانه‌ای از «گرم شدن روابط با غرب» یا «نشانه‌ای از آمادگی دو طرف برای توافق» تلقی شده است. این در حالی است که در خصوص سازمانی مانند فائو، موضوع صرفاً به پرداخت یک بدهی ۵/۵ میلیون یورویی از سوی ایران باز می‌گردد و بازگشت به این سازمان نیز در سطحی نیست که بتوان ادعا کرد چون به ایران اجازه بازگشت داده شده و ایران نیز مبلغ مذکور را پرداخت کرده است. بنابراین میان دو طرف «پالس مثبت» رد و بدل شده است. این برداشت در نهایت چیزی فراتر از نوعی خوش‌بینی اعرافی‌آمیز

نبوده و از نظر ماهیت، ارزش و اثرگذاری، در حد یک امتیاز نامدین یا به تعبیر کنایه‌آمیز در حد یک «آبنات چوبی» قابل ارزیابی است. کنایه‌ای را که پیش از این علی لاریجانی درباره مذاکرات سعدآباد به کار برده بود اما به نظر می‌رسد همچنان کارایی دارد. تفسیر این اقدام ساده مالی به عنوان «پالس مثبت» نه تنها اشتباه تحلیلی محسوب می‌شود، بلکه در میدان عمل نیز به ضرر تیم مذاکره‌کننده ایرانی تمام خواهد شد. چرا که طرف مقابل این قبیل واکنش‌ها را نشانه‌ای از نیاز طرف ایرانی برای رسیدن به توافق تلقی می‌کند. هرگونه روایت‌سازی بدون استدلال، تنها باعث می‌شود طرف آمریکایی با دست پرتی در میز مذاکره ظاهر شود و در مقابل، فضای داخلی کشور دچار بی‌ثباتی و نوسان شود.

به پیشنهاد دروغ‌گو اعتباری نیست

آمریکایی فراهم آورد تا بسا اظهارات ضد تقیض جایی هیچ گونه قطعیتی در مورد امتیازاتی که می‌خواهد به ایران بدهد باقی نگذارد. در همین چهارچوب نیز طرف آمریکایی تاکنون هیچ‌گونه پیشنهادی را به صورت مکتوب ارائه نکرده و صرفاً به اظهارنظرهای شفاهی اکتفا کرده است. درست مثل مذاکراتی که در اواخر دولت دهم به صورت پنهانی در عمان برگزار می‌شد و طرف آمریکایی بدون هیچ متن مکتوبی صرفاً در یک اظهارنظر شفاهی به سلطان عمان اعلام کرد که آمریکا حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت می‌شناسد و در ادامه نیز این ادعایش را زیر پا گذاشت تا ایران بار دیگر برای گرفتن همین حق در دولت روحانی وارد مذاکرات با آمریکا شود. آمریکا در حالی حاضر به ارائه پیشنهاد مکتوب نیست که حتی به یک توافق مکتوب به نام برجام نیز پایبند نبوده است، بنابراین طبیعتاً ایران نباید صرفاً بر مبنای وعده‌های شفاهی به نتایج مذاکرات امیدوار شود.

استیو بیتکاف، مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی، در اولین دور مذاکرات اظهار داشت که ایران نیازی به غنی‌سازی بیش از ۳/۶ درصد ندارد. این اظهارنظر در ابتدا به نظر می‌رسید که حق ایران برای غنی‌سازی مطابق با مفاد برجام را به رسمیت می‌شناسد. با این حال، این موضع به سرعت توسط مارک وریبو، وزیر امور خارجه آمریکا تحریف شد. وریبو اعلام کرد که منظور بیتکاف این بوده که ایران باید مواد غنی‌شده مورد نیاز خود را وارد کند، نه اینکه خودش آن را تولید کند. این تغییر موضع نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای تشدید خواسته‌های خود در مذاکرات است.

علاوه بر این، خود بیتکاف پس از تهدیدات ترامپ مبنی بر انهدام تأسیسات هسته‌ای ایران، موضع خود را تغییر داد و اعلام کرد که حتی غنی‌سازی یک درصد نیز برای ایران قابل قبول نیست. این چرخش سریع در مواضع از سویی نشان‌دهنده فقدان هماهنگی در تیم مذاکره‌کننده بود و از سوی دیگر این فضا را برای طرف



از نقش مثبت جمهوری اسلامی ایران برای فرونشاندن بحران پیش‌آمده میان پاکستان و هند قدر دانی کرد و ضمن بیان تحولات مربوط به درگیری‌های اخیر، به موضوع غزه اشاره کرد و گفت: «متأسفانه جامعه بین‌المللی هیچ اقدام مؤثری برای پایان دادن به فاجعه غزه انجام نمی‌دهد.»

نخست‌وزیر پاکستان همچنین با اشاره به مذاکرات خوب و سازنده خود در تهران ابراز امیدواری کرد که این سفر زمینه‌گسترش بیش از پیش روابط دو کشور را فراهم کند.

کنونی دو کشور در ابعاد مختلف را پایین‌تر از سطح متوقع ارزیابی کردند و افزودند: «دو کشور در بسیاری از عرصه‌ها می‌توانند به یکدیگر کمک کنند و امیدواریم این سفر به گسترش همه‌جانبه ارتباطات در زمینه‌های مختلف به‌ویژه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کمک کند.»

رهبر انقلاب همچنین لزوم همکاری ایران و پاکستان برای فعال‌تر شدن سازمان آکورا مورد تأکید قرار دادند.

در این دیدار که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور نیز حضور داشت، شهباز شریف ضمن ابراز خرسندی فراوان از دیدار با رهبر انقلاب،